

توفان الکترونیکی

نشریه الکترونیکی حزب کارایران

آبان ۱۳۹۳ نوامبر ۲۰۱۴

شماره 100

toufan@toufan.org www.toufan.org

اعدام ریحانه جباری اوج توحش و بربریت رژیم قرون وسطائی
اعلامیه حزب کارایران (توفان) در محکومیت جمهوری اسلامی



مسبب کیست؟

در حاشیه جنایت اسید پاشی به روی زنان در اصفهان



اسید پاشی توسط

وحوش ولایت

جانپانی از جنس «داعش»

کوبانی

نبردی نابرابر اما قهرمانانه



ضرورت تامین هژمونی طبقه کارگر

سخنی در مورد اوضاع کنونی ایران

بیانیه جبهه خلق برای آزادی فلسطین در مورد کوبانی

گسترش ویروس ابولا (Ebola) و چهره غیر انسانی سرمایه داری

بخشی از بیانیه حزب کمونیست مارکسیست - لنینیست ترکیه - کردستان شمالی در مورد کوبانی

"امریکا به بهانه داعش برای حمله مستقیم به سوریه تلاش میکند"

گلچینی از صفحه فیسبوک

اعدام ریحانه جباری اوج توحش و بربریت رژیم قرون وسطایی



دادستانی جمهوری جنایتکار اسلامی تهران امروز شنبه اعلام نمود که ریحانه جباری، زندانی محکوم به قتل مرتضی عبدالعلی سربندی، مامور پیشین وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی، سحرگاه این روز، سوم آبان‌ماه، در زندان رجایی‌شهر کرج اعدام شده است. شعله پاکروان، مادر ریحانه جباری، شامگاه روز جمعه، دوم آبان، در صفحه فیس‌بوک خود خبر داده بود که "به همراه پدر، دو خواهر، پدربزرگ و مادربزرگ و خاله ریحانه در دفتر رئیس زندان شهرری، برای آخرین بار با او ملاقات کرده و ریحانه در هنگام این ملاقات تب داشته است."

ریحانه جباری، طراح دکوراسیون داخلی یک شرکت تبلیغاتی، ۱۹ ساله بود که به طور اتفاقی در سال ۱۳۸۶، با شخصی به نام "مرتضی سربندی"، پزشک ۴۷ ساله، متاهل، دارای سه فرزند و کارمند سابق وزارت اطلاعات آشنا شد. آشنایی سربندی با ریحانه بر اساس شنیدن مکالمه تلفنی ریحانه در یک بستنی فروشی از سوی سربندی آغاز شد. در این مکالمه، ریحانه به شغلش اشاره می‌کند و سربندی که گویا به دنبال یک طراح دکوراسیون برای مطب جدیدش بوده، پس از شنیدن این مکالمه تلفنی، باب آشنایی با ریحانه را باز می‌کند. دیدار بعدی اما منجر به قتل سربندی توسط ریحانه می‌شود. بر اساس گزارش‌های دادگاه، روز قرار، سربندی ریحانه را در جایی نزدیک محل قرار سوار خودروی خود می‌کند و قیل از رسیدن به محل نیز جلوی یک داروخانه توقف کرده و مقداری جنس می‌خرد که بعداً معلوم می‌شود کاندوم بوده است. یکی از دو لیوان آب میوه‌ای هم که روی میز محل قرار داشته بود، حاوی داروی خواب‌آور بوده است. به گفته عبدالصمد خرمشاهی، وکیل ریحانه جباری، "همه این‌ها دلایلی برای قصد قبلی تجاوز از سوی سربندی بوده‌اند."

رژیم جمهوری اسلامی با بی‌اعتنائی به اعتراضات گسترده داخلی و خارجی جهت ممانعت از اعدام و برای آزادی ریحانه جباری اما حکم اعدام را سرانجام به اجرا درآورد و جان این دختر جوان و پر امید را گرفت تا یکبار دیگر به یاوه گویان سیاسی که امید به دگرگونی و گشایش سیاسی در چهارچوب نظام ضد بشری جمهوری اسلامی بسته اند گوش زد کند که بقاء رژیم درگرو ارباب و اعدام است، درگرو سرکوب مبارزات کارگران، دستگیری و محاکمه رهبران اتحادیه‌های کارگری، سرکوب مبارزات دانشجویان، برگذاری دادگاه‌های نمایشی، قلع و قمع باقیمانده مطبوعات، تشدید فشار به زندانیان سیاسی و سرکوب وحشیانه اعتصاب غذای آنها، درگرو قتلها و اسید پاشیهای زنجیره‌ای..... است و بنای رژیم بدون چنین اقدامات بربرمنشانه‌ای یکروزهم دوام نخواهد آورد و چون مقوا فرو خواهد پاشید. معلوم نیست که این حضرات چند سرنوشت مشابه خویش را باید شاهد باشند تا پا به فرار بگذارند. سرکوب همیشه نشانه ضعف و هراس رژیم است و نه نشانه قدرت. رژیمی که به اسلحه تهدید و زور و اعدام‌های وحشیانه متوسل میگردد به خط آخر رسیده است و راه دیگری برای بقای خویش نمی‌بیند.

اعدام جنایتکارانه ریحانه جباری، زنی که در دفاع از خویش و در مقابل تجاوزجنسی عمل نموده است نشان از خشم و عصبیت و انتقام‌گیری از زنان ایران است که در صف نخست پیکار علیه دستگاه ظلم و زور نظام جابرانه اسلامی قرار دارند. رژیم جمهوری اسلامی با نیت ایجاد ترس در مردم بویژه زنان مبارز ایران می‌خواهد جلوی اعتراضات آنها را بگیرد. اعدام‌های مشابه درگذشته و اجرای قانون قصاص برای ایجاد رعب و هراس در جامعه است، برای حفظ سلطه بورژوازی دلال و نظام سرمایه داری ایران است. مسلماً چنین احکام اعدامی با «هرکلید تدبیر و نرمش قهرمانانه‌ای» که باشد آخرین آن نخواهد بود. تنها اعدام رژیم سرمایه داری و فاشیستی جمهوری اسلامی بدست توانای مردم ایران است که می‌تواند به این توحش و بربریت قرون سطایی پایان دهد.

حزب کارایران (توفان) اعدام بربرمنشانه ریحانه جباری را قویاً محکوم میکند و با خانواده او ابراز همدردی می‌نماید و همه نیروهای انقلابی و ترقی خواه را به اعتراض علیه جمهوری اسلامی فرامی‌خواند.

حزب کار ایران (توفان) اعمال ضد انسانی رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی و فاجعه اسید پاشی زنجیره ای را که برای ارباب جامعه صورت میگیرد و جز خدمت به مافیای سرمایه داری حاکم و خدمت به صهیونیسم و امپریالیسم نمی باشد، شدیداً محکوم می نماید.

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی بدست مردم ایران!
مرگ برداش و امپریالیسم!
زنده باد سوسیالیسم این پرچم رهایی بشریت!

حزب کار ایران (توفان)

شنبه ۳ آبان ۱۳۹۳

www.toufan.org

مسبب کیست؟

در حاشیه جنایت اسید پاشی به روی زنان در اصفهان



حیات ننگین سی و پنجساله حکومت جمهوری اسلامی با سیاست ارباب و سرکوب مردم ایران بویژه زنان میهن ما پیوند ناگسستنی دارد. زنان مبارز ایران که در صف مقدم نبرد علیه سیستم آپارتاید سرمایه داری اسلامی قرار دارند، فتوای ارتجاعی و عربده کشیهای آیت الله ها و امام جمعه های ریز و درشت را علیه "بی حجابی و بد حجابی" بر نتابیده و در اشکال مختلف در مقابل حاکمیت کپک زده جمهوری اسلامی صف آرایی کرده اند. شلاق و توهین و زندان و شکنجه دیگر اثر... ندارد و توسل به اسیدپاشیدن بر سر و روی زنان نیز نه از موضع قدرت بل از سر استیصال و ضعف و درماندگی است.

رژیم جمهوری اسلامی که خود مسبب اصلی چنین برخوردهای خشن و ضد بشری و اسید پاشی زنجیره ای، همانند قتل های زنجیره ای و ترور و ناامنی است نمی تواند مدعی مبارزه با "عناصر شرور اسید پاش" باشد و از حقوق و امنیت زنان میهن ما سخن بگوید.

رژیم اسلامی که بقاء حاکمیت خویش را در فضای رعب و وحشت و اعدام و سرکوب خشن زنان می بیند، اگر هم در مواردی در اثر فشار جامعه و مبارزه زنان عقب نشینیهایی میکند نه از روی میل باطنی بل از سرترس و طغیان مردم است. این رژیم برای جان و امنیت انسانها هیچ ارزشی قایل نیست. رژیمی که خود عامل فساد و فحشا و دزدی است، ابلهانه علل مفسد اجتماعی را در وجود "زن و در بی حجابی" می بیند و با هزینه کردن میلیونها دلار پول نفت و تشکیل باندهای مشکوک و لمپن و آدمکش به "تنبیه زنان" می پردازد. طباطبایی نژاد، امام جمعه اصلی اصفهان و نماینده ولی فقیه در آذرماه ۱۳۹۰ در مورد زنان "بد حجاب" گفته بود که «مسئله حجاب دیگر از حد تذکر گذشته است و برای مقابله با بدحجابی باید چوب تر را بالا برد و از نیروی قهریه استفاده کرد»

جعفر شجونی دبیر جامعه و عاظم به عنوان راهکار مقابله با بی حجاب و بدحجابی و قبحخانه اعلام نمود : «باید با شدیدترین مجازات ادبشان کنند. شلاق. اگر بی حجابها بدانند که شلاق در انتظارشان است، خودشان را اصلاح می کنند. بله، شلاق. وقتی از عمد بی بندوباری به وجود می آورند و باعث می شوند پسرهای مردم منحرف شوند، نباید شلاق بخورند؟»

همزمانی اسید پاشی به روی زنان در اصفهان و تصویب طرح های ارتجاعی ضد زن در مجلس اسلامی در قالب طرح " تفکیک جنسیتی" طرح آمران به معروف، طرح صیانت از حریم و حجاب" و ایجاد محدودیت رفت و آمد و اشتغال زنان و عملا به اسید پاشان داعشی چراغ سبز نشان داده و راه را برای تعرض جنایتکارانه علیه زنان هموار ساخته است.

اینها همه نشان دهنده این است که مسبب اصلی اسید پاشی بر روی زنان میهن ما داعیشیان حاکم بر ایران هستند و جز این نیز نمی باشد. حیات رژیم جمهوری اسلامی با چنین عناصر بی وجدان و شرور و اسید پاش و قاتل و لمپن که بیش از سه دهه است شعار یا روسری یا توستری را در خیابانها صلا میدهند گره خورده و فقط با محو و نابودی چنین هیولائی است که می توان از شر همه این وحشیگریها و ظلم و زور و ستم و تبعیض رها شد و بیشک زنان قهرمان ایران در صف مقدم این نبرد قرار دارند.

نقل از فیسبوک حزب کار ایران (توفان)

سخن هفته

پنجشنبه ۱ آبان ۱۳۹۳

www.toufan.org



تصویری از اعتراض مردم علیه اسید پاشی در تهران



تصویری از اعتراض مردم خشمگین علیه اسید پاشی در اصفهان

کوبانی

نبردی نابرابر اما قهرمانانه



«کوبانی» در یک جنگ نابرابر بسر میبرد و از هم‌سو زیر آتش توپخانه‌های داعش است. خبر خوش این است که نبرد قهرمانانه کردها، داعش را از شرق «کوبانی» عقب رانده است اما سر و کله نیروهای داعش این بار از غرب و جنوب این شهر پیدا شده است. اوضاع شهر هر لحظه در حال وخیم‌تر شدن است و از همین رو، نیروهای مسلح کرد شهر را از غیرنظامیان خالی کرده‌اند. مقاومت نیروهای یگان‌های مدافع خلق علیه تبهکاران داعش در محلات شرقی «کوبانی» به صورت تن‌به‌تن و با سلاح فردی ادامه دارد. کوبانی‌های قهرمانان بارها اعلام کرده‌اند که با سلاح‌های سبک یارای مقابله با تجهیزات عموماً آمریکایی داعشی‌ها را امروز ریاکارانه تنها به پروازهای کم‌حاصل جنگنده‌هایشان اکتفا می‌کنند؛ حملاتی که مانع دفع تهدید داعش برای «کوبانی» نشده است. آنطور که یک عضو ارشد داعش به سی‌ان‌ان گفته است، نیروهای داعش پس از پرواز پهپادهای آمریکایی برای تعیین موقعیت و مواضع داعش، موقعیت خود را تغییر می‌دهند. به گفته این عضو داعش، آنها پناهگاه‌های یدک و پشتیبانی ایجاد کرده و به محض شنیدن صدای هواپیماها موقعیت خود را تغییر می‌دهند و به همین دلیل بمباران‌ها تاکنون نتوانسته تأثیری بر توانایی آنها بگذارد. فرماندهان یگان‌های مدافع خلق «کوبانی» ((YPG) یک‌صدا می‌گویند که تنها راه جلوگیری از سقوط این شهر ارسال تسلیحات به مدافعان است و بی‌شک در صورت عدم ارسال کمک‌های نظامی شهر از سوی داعش اشغال شده و فاجعه‌ای انسانی رخ می‌دهد. در همین حال صالح مسلم، رهبر «حزب اتحادیه دموکراتیک» کرد سوریه (PYD) که مبارزان آن صف محکمی در دفاع از شهر «کوبانی» ایجاد کرده‌اند، اظهار کرد که چرا ائتلاف جهانی، ترکیه و نیروهای پیشمرگه عراق به نیروهای مردمی سلاح نمی‌فرستند و از آنان حمایت نمی‌کنند. صالح مسلم در کنفرانسی مطبوعاتی در پاریس بعد از بازگشتش از ترکیه با بیان کافی نبودن حملات ائتلاف اعلام کرد که دستیابی به سلاح‌های ضدتانک و زرهی می‌تواند نیروهای مردمی «کوبانی» را از حملات هوایی ائتلاف بین‌المللی بی‌نیاز کند. او از جزییات مذاکرات خود با مقامات ترکیه در استانبول پرده برداشت و آنچه رسانه‌ها درباره سه شرط این کشور مطرح کرده‌اند را رد کرد که شامل توقف همکاری کردها با نظام سوریه، پایان دادن به حکومت خودگردان در مناطق کردنشین و ممانعت از خطر تهدیدات مرزی برای ترکیه است. امپریالیست آمریکا و متحدش دولت پان ترکیست ترکیه بخوبی از ماهیت نبردی که جریان دارد واقفند و با سیاستی هدفمند خواهان نابودی جبهه انقلابی کوبانی‌ها و نه جبهه وحوش داعش هستند. آمریکا به داعش نیاز دارد تا دکتترین خاورمیانه جدید را با یاری همین آدمخواران محقق سازد. نبرد کوبانی‌ها یادآور نبرد نابرابر و قهرمانانه کمون پاریس است که توسط جبهه متحد ارتجاع به خون کشیده شد. نبردی که در تاریخ جاودانه شد و تأثیرات ژرفی بر مبارزه طبقاتی طبقه کارگر و همه خلق‌های جهان گذاشت.

زنده باد نبرد کوبانی!

مرگ بر امپریالیسم آمریکا بزرگترین تروریست دولتی و مسبب اصلی جنگ و خونریزی و کشتار در منطقه و جهان!

سخن هفته

نقل از فیسبوک توفان

چهارشنبه ۸ اکتبر ۲۰۱۴ میلادی

ضرورت تامین هژمونی طبقه کارگر برای هرگونه تحول بنیادین انقلابی در ایران سخنی در مورد اوضاع کنونی ایران

۳۵ سال از انقلاب ۵۷ می‌گذرد. این انقلاب که با امید به دست یابی به آزادی و خاتمه یافتن دیکتاتوری و خفقان و رسیدن به عدالت اجتماعی با مبارزه و از جان گذشتگی و فداکاری انقلابی اکثریت قاطع مردم صورت گرفت و در به ثمر رسیدن آن و سرنگونی رژیم وابسته به امپریالیسم و اخراج مستشاران خارجی و خروج از پیمان ارتجاعی سنتو و کسب استقلال سیاسی، طبقه کارگر ایران و بخصوص نفتگران نقش قاطع و تعیین کننده ای داشتند با خیانت حاکمیت روحانیت به اهداف آن تا تمام باقی ماند.

روحانیت که به عنوان ارتجاعی ترین و مناسبترین آلترناتیو برای رژیم شاه در جهت ایجاد کمربند سبز اسلامی و ضد کمونیستی مورد تأیید نشست سران قدرتهای امپریالیستی در گوادلپ، قرار گرفت و به وسیله دستگاههای سخن پراکنی آنها و از جمله آیت الله بی بی سی لائسه شد، از همان قبل از به قدرت رسیدن، با انواع ترفندها و خدعه و فریب و نیرنگ و تشکیل گروهها ترور و باندهای سیاه در جهت سرکوب نیروهای انقلابی دست بکار شد و راه خیانت به اهداف انقلاب را در پیش گرفت. دیکتاتوری و بی عدالتی اجتماعی اینبار با ریش و پشم و زیر نعلین آخوندهای روباه صفت مکار، باز سازی شد.

در طی این ۳۵ سال روز به روز به دست آوردهای انقلاب مردم و حقوق کارگران تعرض بیشتری صورت گرفت، چند سال اولیه بعد از انقلاب، همه مشکلات را به گردن وضعیت به ارث رسیده از رژیم گذشته انداختند. هشت سال مشکلات را به گردن جنگ تحمیلی و صدام افلی و تکریتی انداختند. بعد از آن هم مشکلات دوران بازسازی و جناح اکبر شاه و بعد هشت سال مقصر اصلاح طلبان حکومتی و نه اصول گرایان و هشت سال بعد جریان انحرافی احمدی نژاد و به این ترتیب با استفاده از نیروی سرکوب و فریب توانستند طبقه کارگر و زحمتکشان را به خاک سیاه بنشانند و البته این تجارب جنبه مثبتی داشت که واقعیت اصلاح ناپذیر بودن جمهوری اسلامی را در عرصه عمل به بخشهای متوهم جامعه نشان دهد.

طبقه کارگر در کلیت خود بعد از ۳۵ سال عملکرد رژیم، به طور عینی و با گوشت و پوست و استخوان خود ماهیت ضد کارگری آن را درک کرده و هیچگونه توهمی نسبت به هیچ کدام از جناح ها و باندهای مافیائی دستگاه حاکم ندارد. رسیدن به ضرورت انقلاب اجتماعی برای برون رفت از این وضعیت فلاکت بار، در بین طبقه کارگر بیشتر از همه اقشار و طبقات دیگر است. البته در کنار این شرط عینی ضروری برای هرگونه تحول بنیادین، شرط ذهنی به مفهوم داشتن تشکیلات و رهبری و داشتن استراتژی و تاکتیک های مناسب برای رسیدن به هدف ضروری است.

برداشتن گامهای آگاهانه و سنجیده در جهت تامین هژمونی طبقه کارگر در انقلاب آتی ایران بدون شناخت دقیق از تحولات جنبش کارگری و کمونیستی جهانی و تاریخ جنبش کارگری و کمونیستی ایران غیر ممکن است.

شناخت دقیق تاریخ صد و دهساله جنبش کارگری و کمونیستی ایران از پایه ریزی سازمان سوسیال دموکراسی انقلابی ایران (همت) در ۱۹۰۴ و نقش این سازمان در رهبری انقلاب مشروطیت و پایه ریزی و کمک به ایجاد اتحادیه های کارگری ایران و سپس تشکیل حزب عدالت و حزب کمونیست ایران به رهبری رفیق حیدر خان عمواغلی و نقشی که این حزب در تمام جنبش های آزادیخواهانه و ضد استعماری در مناطق مختلف کشور ایفاء نمود و اقدامات حزب در جهت گسترش جنبش سندیکائی ایران و پرورش فعالین کارگری کمونیست؛ تشکیل گروه ۵۳ نفر به رهبری رفیق دکتر تقی ارانی به عنوان ادامه دهنده راه حزب کمونیست ایران و نقش مهم آن در مبارزات ضد امپریالیستی و دموکراتیک و پرورش کادرهای برجسته ای که در آینده از رهبران جنبش کارگری و کمونیستی ایران شدند؛ تشکیل حزب توده ایران در دهم مهر ۱۳۲۰ به عنوان ادامه دهنده این خط سرخ انقلابی و رهبری مبارزات ضد فاشیستی و ضد استعماری و دموکراتیک مردم ایران در دو دهه اولیه حیات انقلابی خود و نقش بی بدیل آن در جنبش ملی شدن صنعت نفت و ایجاد بزرگترین تشکل کارگری خاور میانه (شورای متحده کارگری) و بزرگترین اتحادیه دهقانی و سازماندهی تشکل های دموکراتیک جوانان و زنان و نظامیان انقلابی؛ و ادامه این خط سرخ بوسیله سازمان مارکسیستی لنینیستی توفان و بعدها حزب کار ایران (توفان) که توسط رفقا احمد قاسمی و غلامحسین فروتن از اعضای هیئت اجراییه کمیته مرکزی حزب توده ایران، مسئول نامه مردم ارگان حزب و نشریه دنیا ارگان تئوریک حزب و رفیق سغائی از افسران سازمان نظامی حزب پایه ریزی شدو پرچم مبارزه علیه رویزیونیسم خروشچفی را که به دست آوردهای سی سال ساختمان سوسیالیسم در اتحاد جماهیر شوروی به رهبری رفیق استالین تف ریخت و به احیای سرمایه داری دست زد، بر افراشتند.

سازمان مارکسیستی لنینیستی توفان با پایبندی به همان خط سرخ مارکسیسم لنینیسم در جنبش کمونیستی جهانی به رهبری رفیق استالین و پایبندی به تمام سنن و دستاوردهای تاریخی جنبش کارگری ایران تا آن زمان، مبارزه بی امان ایدئولوژیک را برای پاکیزگی مارکسیسم لنینیسم علیه رویزیونیسم مدرن بر افراشت و از هیچ کوششی در راه احیای حزب واحد طبقه کارگر دریغ ننمود.

فروپاشی کاخ عظیم سوسیالیسم در اتحاد شوروی با روی کار آمدن خروشچف آغاز شد و نه در دهه هشتاد میلادی با به قدرت رسیدن گرباچف با تئوری پروستوریکا و گلاسنوست و یا جانشین دلک و الکلیست او یلتسین.

حزبی که امروزه به دروغ نام حزب توده ایران را یدک می‌کشد و خود را وارث جنبش کمونیستی و ادامه دهنده راه روزبه ها و سرهنگ سیامک ها و وارطان ها معرفی می‌کند در واقع تاریخش از زمان تصویب و تأیید مصوبات کنگره ۲۲ حزب کمونیست اتحاد شوروی در پلنوم یازدهم کمیته مرکزی این حزب که به دور از چشم و اطلاع اعضاء و کادرهای حزب بود، شروع شده است و هیچ ارتباطی با گذشته انقلابی و کمونیستی و دست آوردهای تاریخی این حزب ندارد، چرا که ادامه دهنده آن راه نیست، همچنانکه باند خروشچف نیز نه تنها ادامه دهنده مارکسیسم لنینیسم نبودند، بلکه خائن به آن و تحریف کننده آن بودند. دست آورد بزرگ این

حزب که با در غلطیدن به رویزیونیسیم و نفی تحلیل طبقاتی با طرح تئوری "راه رشد غیر سرمایه داری به کمک اردوگاه سوسیالیسم" ، به نفی صف مستقل طبقه کارگر و نفی مبارزه دمکراتیک بعد از انقلاب ۵۷ و دنباله روی از "خط امام" و دامن زدن به توهم توده های مردم و شکاف انداختن در صف نیروهای طرفدار سوسیالیسم در واقع کمک به استقرار حاکمیت ارتجاعی و سرمایه داری داعشی شیعه و شکست انقلاب بود. علاوه بر آن به بیراهه بردن هزاران نفر و هدر دادن جان صدها نفر متوهم عضو این حزب که حتی در پای جوخه اعدام فریاد درود برخیمینی می کشیدند که در واقع جلاد اصلی شان بود؛ و این حزب با افتخار این نابینائی طبقاتی و سیاسی خود را در نشریاتش منعکس می کرد و آن را نشانه دفاع صادقانه از حاکمیت اسلام سیاسی و خط ضد امپریالیستی دروغین امام معرفی می کرد.

هدف از این اشاره مختصر به تاریخ جنبش کارگری و کمونیستی ایران، توجه دادن فعالین جنبش کارگری و سندیکائی ایران که ضرورت تشکیل سازمان سراسری کارگری و حزبیت را دریافته اند به امر مهم مطالعه دقیق و هوشیاری انقلابی است. چرا که صرف صداقت و شجاعت و فداکاری و مقاومت در زیر شکنجه هم کافی نیست و با داشتن همه این خصوصیات ولی بدون شناخت عمیق دوست و دشمن می توان فریب خورد و به جاده صاف کن امثال رضا نیم پهلوی تبدیل شد.

گذشته از جریانات آلوده و افشاء شده تروتسکیستی و سه جهانی های چینی و حزب ضد کمونیست و ضد کارگری و مزدور اسرائیلی منصور حکمت و چپ نماهای دیگری که می خواهند با کمک امپریالیستها دمکراسی و سوسیالیسم را برای مردم ایران به ارمغان آورند و منحرفین رویزیونیست راست و چپ، جریانات دمکرات و روشنفکران فرد گرای مدعی چپ نیز هستند که نام خود را سازمان کارگران انقلابی نیز گذاشته اند ولی با نفی حزبیت و ماهیت ایدئولوژیک دولتها، نفی دیکتاتوری پرولتاریا و دستاوردهای تاریخ جنبش کارگری و کمونیستی جهان و ایران با تقدیس حرکت خود به خودی کارگری و تبلیغ استقلال اتحادیه ها و سندیکا ها نه فقط از دولت سرمایه دار بلکه از حزب واحد سیاسی مارکسیست لنینیستی طبقه کارگر، در عمل همراه با آشفته فکری خودشان به آشفته فکری اطرافیانشان نیز دامن میزنند.

در چنین آشفته بازاری از مدعیان رنگارنگ کمونیست و طرفداری از طبقه کارگر، از حزب دگر دیسی شده میلیاردی چین که نام کمونیست را به دروغ یدک می کشد و کارگران را تبدیل به بردگانی کرده، که از فشار کار خودکشی می کنند و احزاب پارلمانتاریست چپ اروپای غربی و شرقی که در چهارچوب سیاستهای نئولیبرالیستی راه اصلاح جستجو می کنند و احزاب به اصطلاح کارگری و سوسیالیستی که مجری سیاستهای امپریالیستی هستند مثل حزب کارگر انگلیس و حزب سوسیالیست فرانسه و چه در رابطه با ایران که به نمونه هائی از آن اشاره شد، تشخیص حقیقت و شناخت راه صحیح برای فعالین کارگری و سندیکائی که در دریائی از مشکلات اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و فرهنگی درگیر هستند چندان ساده نیست ولی برای به نتیجه رسیدن، ضروری است پیوند با حزب سیاسی خود که مغز متفکر و ستاد فرماندهی طبقه کارگر است امری ضروری برای کارگران پیشرو و فعالین جنبش سندیکائی است.

در حزب است که میتوان به این شناخت که محصول دانش و خرد جمعی است دست یافت. در چند ماه اخیر نشانه هائی در جنبش کارگری و سندیکائی طبقه کارگر دیده می شود که نشاندهنده رشد آگاهی و هوشیاری است. حرکت های اعتصابی و اعتراضی رو به افزایش علیه سیاستهای نئولیبرالیستی خصوصی سازی و اعتراضات گسترده به تغییرات ارتجاعی قانون کار و اعتراضات به عدم بیمه کارگران ساختمانی در جهت منافع سرمایه داران برج ساز و بخش مستغلات، اعتراضات گسترده به سیاست رها سازی قیمتها و حذف یارانه ها و پرداخت دستمزدهای یک چهارم خط فقر و اعلام خطر بسیاری از فعالین کارگری نسبت به تدارک بازاری از نیروی کار از برده های بی حقوق برای جلب سرمایه گذاران و غارت گران خارجی و امپریالیستی بعد از چرخش خفت بار "نرمش قهرمانانه"، همگی نشاندهنده تحول کیفی در جهت بیان خواستهای کلیت طبقه کارگر و رودر رویی با دولت سرمایه دار به جای کارفرماها و سرمایه داران در نقاط مختلف است.

اعلامیه رضا شهابی در رابطه با سیاستهای امپریالیستی در منطقه و جنگ نیابتی در سوریه، اعلامیه سندیکای کارگران فلزکار مکانیک و سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه در رابطه با مبارزات قهرمانانه مردم کوبانی علیه آدمخواران داعشی که محصول مشترک امپریالیستها و صهیونیستها هستند و توسط دولت فاشیستی ترکیه و جنایتکاران آل سعود و شیخ قطر حمایت میشدند. نشان دهنده شناخت صحیح از دشمنان داخلی و خارجی طبقه کارگر، تحلیلی طبقاتی و واقع بینانه از اوضاع خاورمیانه و دیدن دستهای پلید امپریالیستها و صهیونیسم و ارتجاع منطقه در ایجاد طرح خاورمیانه جدید و سیاستهای استعماری نوین می باشد.

جنبش کارگری ایران با توجه به تجارب غنی خود در انقلاب مشروطیت، جنبش ملی شدن صنعت نفت در دهه بیست و انقلاب ۵۷، بالفعل، این توانائی را دارد که تحت رهبری حزب واحد لنینیستی اش، حزب کار ایران (توفان) پرچم مبارزات انقلابی تمامی زحمتکشان و اقشار ملی و مترقی و آزادیخواه و عدالت پژوه جامعه را به دوش کشد باید در این جهت کوشید. راه دیگری وجود ندارد. هر گونه تحولی بدون کسب هژمونی طبقه کارگر با شکست مواجه خواهد شد.

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است!

بیانیه جبهه خلق برای آزادی فلسطین در مورد کوبانی



جبهه خلق برای آزادی فلسطین همبستگی خود را با مقاومت کردها در کوبانی ابراز میدارد. مردم کوبانی که برای دفاع از خود و جامعه بر علیه گروههای ارتجاعی و مسلح " خلافت اسلامی " که ورودشان به منطقه ما توسط فترتهای امپریالیستی و نوکرانشان تسهیل و حمایت شده است مبارزه میکنند.

خالد برقات گفت " امروز، رزمندگان کرد، زنان و مردان، برای آزادی و هستی خود بر علیه گروههای ارتجاعی که در منطقه توسط امپریالیسم و همدستان و عواملش مسلح شده و حمایت میشوند مبارزه میکنند ".

رفیق خالد برقات ابراز داشت: " همه نیروهای انقلابی فلسطینی و عرب باید فعالیت خود در حمایت از مقاومت کردهای کوبانی بر علیه داعش و حامیان امپریالیستی اش را هماهنگ و متحد کنند ".

مردم سوریه و عراق و نقاط دیگر منطقه، مورد تجاوز امپریالیسم قرار گرفته اند، تجاوزی که نه تنها بشکل حملات هوایی و اشغال صورت گرفته بلکه بشکل حمایت از قدرتهای ارتجاعی منطقه، دامن زدن به درگیریهای فرقه ای و مذهبی، و حمایت از گروههای مسلحی که برنامه ایجاد آشوب فرقه ای را به پیش میبرند صورت گرفته و میگیرد. امپریالیستها و مرتجعین منطقه تلاش کرده اند که مناقشه اصلی منطقه یعنی مناقشه بین مردم با صهیونیسم و امپریالیسم را با فرقه گرایی و تحمیل خشونت ارتجاعی بر علیه اقلیتها که بخشی جدا ناپذیر منطقه ما هستند را عوض کنند در حالی که همین مرتجعین مسلح، دولت صهیونیستی اسرائیل و نیروهای امپریالیستی را در ارتکاب جنایاتشان آزاد گذاشته اند. این تجاوزات و حملات با نسل کشی اخیر فلسطینی های غزه توسط اسرائیل همزمان بوده است. رفیق برقات اعلام نمود که: " ما در کنار مردم سوریه ایستاده ایم. مردم سوریه از اتحاد خود بر علیه تجزیه و غارت امکانات کشور به نفع امپریالیسم دفاع میکنند. غارت و تجزیه سوریه هدف داعش و متحدینش است ".

خالد برقات گفت " امروز، رزمندگان کرد، زنان و مردان، برای آزادی و هستی خود بر علیه گروههای ارتجاعی که حضورشان در منطقه توسط امپریالیستها و همدستان و عوامل تدارک دیده شده و مسلح و حمایت میشوند مبارزه میکنند. این تصادفی و یا صرفا نمادین نیست که امروز داعش با اسلحه آمریکائی به کوبانی حمله میکند. در این مبارزه، بویژه نقش زنان جنگنده کرد در تمام سطوح مبارزه و رهبری، نمونه ای از خودگذشتگی قهرمانانه را ارادته میدهد ".

باید در نظر داشت که نقش دولت ترکیه، یکی از بزرگترین شرکای تجاری اسرائیل و همدست نظامی آمریکا، این بوده است که گروههای مرتجع مسلح (داعش و دیگران) را تشویق کند تا به سوریه وارد شوند و به کوبانی حمله کنند. همزمان، در چند روز گذشته ده ها معترض کرد ترکیه توسط پلیس ترکیه بقتل رسیده اند. ایجاد باصطلاح " منطقه امن " که ترکیه و فرانسه بر آن اصرار دارند، و همچنین بمباران هوایی آمریکا و متحدین در کوبانی، چیزی جز پوشش برای ورود امپریالیستها به منطقه نیستند. امنیت واقعی فقط با مبارزه و مقاومت توده ای بر قرار خواهد شد.

سالیان درازی است که مبارزان فلسطینی در تلاش برای آزادی همسنگر مبارزان کرد بوده اند. حمایت فلسطینیان انقلابی از کردهای مبارز راه آزادی تاریخ طولانی دارد. امپریالیسم دشمن مشترک ماست. همچنین ما دشمن مشترک فرقه های مسلح ارتجاعی مانند "خلافت اسلامی" را داریم که اساسا تولید و منتج شده اشغال و هزمونی امپریالیسم بر منطقه ما هستند. رژیم های ارتجاعی منطقه، بویژه عربستان سعودی و قطر، نقش عمده در تشویق، تسلیح، و گسترش این فرقه ها داشته اند.

هیچ راه حلی و یا کمکی به مردم منطقه از طریق ارتشهای امپریالیستی و یا بمباران امپریالیستها بدست نمی آید. نیروهای امپریالیستی هر جا که میروند فقط ترور، فرقه گرایی، ارتجاع، و مرگ بارمغان میبرند. این مبارزه مردم متحد ماست که میتواند با آنها به مقابله پرداخته و پیروزی بر امپریالیسم و صهیونیسم، منشا اصلی ترور در منطقه، و بر نیروهای وحشی ارتجاعی که همگی برای حفظ هژمونی خود و غارت منابع منطقه تلاش دارند را بدست آورد.



زنده باد همبستگی با مردم قهرمان کوبانی!

گسترش ویروس ابولا (Ebola) چهره غیر انسانی سرمایه داری را نشان میدهد

اپیدمی در حال گسترش ویروس ابولا در آفریقا بیش از آنکه نشان دهنده شکنندگی سیستم بهداشت جهانی باشد اختلاف طبقاتی در جهان را تقویت میکند. تنها کفایت که به این سوال ساده پاسخ دهید: چرا این ویروس که عامل تب هموراژیک میباشد و از سال ۱۹۷۶ توسط دانشمندان شناخته شده بود هنوز با شیوع مکرر موجب مرگ هزاران انسان در آفریقا میشود.



این ویروس در ۲۷ ژوئن ۱۹۷۶ در طی اولین شیوع این بیماری، که در دو کانون مختلف یکی در Nzara سودان و دیگری در شمال کنگو به طور همزمان اتفاق افتاد، کشف شد. با ۹۰٪ مرگ و میر، این ویروس میمونها را نیز آلوده و میکشد. مظنون اصلی انتقال این ویروس به انسان، تغذیه گوشت میمونهای آلوده توسط ساکنین آن مناطق میباشد.

در اولین اپیدمی، ۲۸۴ مورد، با مرگ و میر ۵۰٪ ثبت شده است.

در تمام این سالها، ابولا در ۱۵ اپیدمی بیش از ۳۰۰۰ قربانی (که شامل ارقام جدید است) گرفته است و تمام اپیدمی ها منحصر به آفریقا بوده اند. آخرین مورد گسترش در سال ۲۰۱۲ در جمهوری دموکراتیک کنگو و اوگاندا اتفاق افتاد.

شیوع اپیدمی اخیر، که همچنان ادامه دارد، توسط کشور گینه در اوائل ماه مارس به سازمان بهداشت جهانی اطلاع داده شد. نظر بر این است که اولین قربانی این اپیدمی اخیر یک پسر بچه ۲ ساله ساکن یکی از روستاهای گینه بوده است که مرگ او در ۶ دسامبر سال قبل ثبت شده بود.

آخرین گزارش ها نشان میدهد که این ویروس تا کنون جان بیش از ۱۲۰۰ نفر (گسترده ترین اپیدمی که تاکنون ثبت شده) را گرفته است و هزاران نفر هم مبتلا گشته اند، از جمله یک پزشک آمریکایی بنام کنت برانتلی (Kent Brantly)، که به صورت داوطلبانه برای کمک به محل رفته بود و یک مبلغ مذهبی انگلیسی بنام نانسی رایتبول (Nancy Writebol). این دو نفر در کشور های خودشان با استفاده از یک داروی آزمایشی به نام Zmapp مورد درمان قرار گرفته و به تدریج بهبود یافته اند. همزمان، دو مبلغ مذهبی آفریقائی با تقاضای دریافت این دارو به انگلستان فرستاده شدند. اما این درخواست از طرف دولت بریتانیا رد شد و یکی از این مبلغین که یک راهبه کنگویی بود چند روز بعد درگذشت.

محققین آمریکایی سعی کرده اند که واکنسی بر ضد ابولا بسازند اما کمپانی های داروسازی بودجه ای برای این منظور اختصاص نداده اند. به گفته پیتر والش (Peter Walsh)، دانشمندی که واکنسی تولید کرده و روی میمونها آزمایش مثبت داده، با وجود اطمینان از موثر بودن این واکنس بر روی انسان، به دلیل هزینه بالا و نبود سرمایه گذاری تولید واکنس متوقف شده است. او در مصاحبه با صدای آلمان گفت: شرکتهای دارویی نمیخواهند برای آفریقائی ها دارو بسازند زیرا که آنها جمعیت سود ده نیستند. این بدین معنی است که انسانهای فقیر به خاطر عدم تولید سود برای کمپانیهای داروسازی میمیرند. پیتر والش میگوید: دولت امریکا هزینه تحقیقات واکنسی را میدهد، به خصوص واکنسهای ضد تهدیدات تروریستی، و ابولا هم یک تهدید بیو تروریستی باید بحساب آید.

در عین حال دولتهای آفریقایی با ایجاد یک نیروی ویژه بزرگ، مناطقی را که وجود ویروس در آنجا ثبت شده است قرنطینه کرده اند. تلاش برای محدود کردن انتقال بیماری از تلاش برای درمان قربانیان آن نگران کننده تر است. یک گزارش تلوزیونی نشان داد که مردمی که در مناطق قرنطینه شده زندگی میکنند هیچ کمک دارویی دریافت نمیکنند و حتی آنها امکان کمک از کشورهای دیگر را ندارند. پلیس و سربازان از اسلحه و نارنجک استفاده میکنند تا از رفت و آمد ساکنان مناطق قرنطینه شده به مکانهای دیگر حتی اگر علائم بیماری را نداشته باشند جلوگیری کنند.

خلاصه اینکه دولتها دست به هر کاری میزنند تا از انتقال این بیماری به کشورهای توسعه یافته جلوگیری کنند ولی حاضر نیستند یک صنایع برای درمان بیماران خرج کنند مگر اینکه این بیماری به مردم اروپا یا امریکا سرایت کند. بار دیگر مردم فقیر و به حاشیه رانده شده از طمع کاری و بیرحمی سرمایه داری رنج میبرند و زجر میکشند و باز هم خواهند کشید.

۱۲ اکتبر ۲۰۱۴

نوشته Ludmila Outtes کارشناس بهداشت عمومی

بر گرفته از نشریه "حقیقت" ارگان حزب کمونیست انقلابی برزیل

بخشی از بیانیه حزب کمونیست مارکسیست - لنینیست ترکیه - کردستان شمالی در مورد کوبانی "امریکا به بهانه داعش برای حمله مستقیم به سوریه تلاش میکند"



"مردم شمال کردستان در شهرها و قصبه‌ها مقاومت عمومی بر علیه بازی آنکارا با داعش و علیه جنگ برای در هم شکستن انقلاب روژاوا را آغاز کردند. صدها هزار نفر از مردم راهی خیابانهای شهرهای اصلی شمال کردستان مانند آمد (Amed -- دیاربکر) شدند. دیکتاتوری حزب رفاه و توسعه با اعلام حکومت نظامی در آمد (Amed) و وان (Van) و دیگر شهرهای کردستان و همچنین افزایش وحشت پلیسی و حمله مسلحانه به مبارزین که توسط حزب الله (سازمان اسلامی ضد چریکی) صورت میگیرد سعی دارد که مبارزه کرد ها در هم شکنند. تا به امروز (۸ اکتبر) ۱۰ میهن پرست کرد کشته و ده ها نفر دیگر زخمی شده اند. کمونیستهای مارکسیست - لنینیست هم در میان زخمی شدگان هستند.

در شهرهای ترکیه، همه نیروهای دموکرات و جنبش آزادی ملی کردستان یک اکسیون متحد را برای حمایت از مقاومت انقلابی منطقه خود مختار کوبانی سازماندهی کردند. در اینجا نیز حزب رفاه و توسعه با استفاده از حملات وحشیانه نیروهای فاشیست حزب جنبش ملی به همراه گازهای سمی پلیس سعی در در هم شکستن مبارزه را داشت. با این وجود نیروهای مترقی و انقلابی به مقاومت خود با تسلیم نشدن در مقابل تهاجمات ادامه میدهند. کنفدراسیون مترقی اتحادیه های کارگران خدمات عمومی با سازماندهی دو روز اعتصاب در ۸-۹ اکتبر به این مبارزه پیوست.

در کشورهای اروپایی نیروهای انقلابی و دموکراتیک به خصوص جنبش دموکراتیک کردستان و کمونیستهای مارکسیست - لنینیست به همبستگی گسترده خود با مقاومت کوبانی ادامه میدهند.

امریکا به بهانه داعش برای حمله مستقیم به سوریه تلاش میکند.

تصمیم امپریالیستها و نیروهای ارتجاعی منطقه برای جنگ با داعش به رهبری امریکا در واقع استفاده از بهانه داعش است. هدف آنها ورود به سوریه از طریق جنگ مستقیم است. امپریالیستهای امریکائی و فرانسوی، حملات هوایی بر علیه داعش را بیشتر در خاک عراق سازمان دادند و بعضی حملات بی اثر در خاک سوریه هم صورت میگیرد. آنها از تاکتیک انتظار برای ضربه سنگین نیروهای داعش به انقلاب روژاوا در کوبانی و سپس حمله مستقیم به سوریه در نقش ناجیان منطقه در مقابل داعش استفاده میکنند. در حقیقت، ساکی (Psaki) سخنگوی کاخ سفید با گفتن اینکه کوبانی اولویت ما نیست حقیقت را آشکار کرد. آنها با استفاده از بربریت داعش سعی در مشروعیت بخشیدن به نقشه جنگ مستقیم با سوریه را دارند. بعد از مشروعیت دادن به جنگ، آنها راجع به حمله زمینی به سوریه که توسط نیروهای نظامی کشورهای ارتجاعی متحدشان صورت خواهد گرفت سخن خواهند راند. آنکارا از هم اکنون پیشنهاد یک جنگ زمینی را با پافشاری بر شروط خود داده است. پیشنهادات ارائه شده شامل ابتدا تسخیر شمال سوریه برای در هم شکستن انقلاب روژاوا و سپس ساقط کردن رژیم اسد میباشد. این همچنین شامل باز آرای نیروهای مسلح ارتجاعی مخالف برای کشاندنشان به جنگ میباشد.

در حالیکه طرح نقشه های خونین امپریالیستها و کشورهای ارتجاعی منطقه ادامه دارد، نیروهای انقلابی کوبانی و نیروهای مقاومت مردمی که حزب کمونیست مارکسیست - لنینیست هم شامل آن میشود با مقاومت حماسی در مقابل داعش به راه خود ادامه میدهند. نیروی دفاع مردمی با دادن صدها شهید (حزب ما نیز یکی از مبارزین خود را در کوبانی از دست داد) ثابت کرده اند که علیرغم نابرابری تسلیحاتی در مقابل داعش شکست نخواهند خورد.

مقاومت کوبانی مقاومتی است که سرنوشت انقلاب روژاوا را بر علیه نیروهای ارتجاعی منطقه بخصوص استعمارگران آنکارا و امپریالیستهایی که میخواهند انقلاب را با داعش خفه کنند مشخص خواهد کرد. این نقطه عطفی برای انقلاب منطقه است.

تمام نیروهای انقلابی و پیشرو جهان باید از مقاومت کوبانی با همبستگی بین المللی حمایت کنند.

به نقل از بولتن بین المللی حزب کمونیست مارکسیست - لنینیست ترکیه - کردستان شمالی شماره ۱۴۴ اول اکتبر ۲۰۱۴

* روژاوا یا کردستان غربی به منطقه کردستان سوریه گفته میشود. با آغاز جنگ ارتجاعی بر علیه سوریه، جنبش کردستان تحت رهبری حزب اتحاد دموکراتیک کنترل بیشتر این منطقه را در دست گرفته و در نوامبر ۲۰۱۳ اعلام خودمختاری نمود. انقلاب روژاوا موجب ایجاد یک منطقه خود مختار گردید که خود به سه ناحیه یا کانتون خودمختار تقسیم شد. کانتون الجزیره (Cezire)، کانتون کوبانی و کانتون افرین (Efrin). حزب اتحاد دموکراتیک و منطقه خودمختار در جنگ ارتجاعی بر علیه سوریه شرکت نکردند.

** جنگ کثیف اصطلاحی است که در رابطه با جنگ فاشیستهای ترکیه با مردم کردستان در دهه های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ بکار برده میشود. در این دوره نه تنها مردم کردستان بلکه هر روشنفکر، روزنامه نگار، فعال حقوق بشری و هر فرد سیاسی که مضمون به همکاری با حزب کارگران کردستان بود مورد تهاجم وحشیانه فاشیستهای ترکیه قرار میگرفت. شیوه متداول در این جنگ آدم ربایی و قتل های شبانه بود و به همین دلیل آنرا جنگ کثیف مینامند. هزاران نفر بدین ترتیب به قتل رسیدند که بسیاری از آنها حتی

شناسایی نشدند. جسد های این افراد یا در چاه انداخته میشود یا سوزانده میشود و یا اینکه بعد از فرو کردن در اسید در بیابانها رها میشوند. تمام این کارها برای ایجاد رعب و وحشت انجام میگرفت. در بسیاری از شهرها از دستجات شبه نظامی فاشیست برای آدم ربایی و ایجاد وحشت استفاده میشود. امروز با استقرار دولت اسلامی در ترکیه در بعضی نقاط از گروه شبه نظامی حزب الله (سازمان اسلامی ضد چریکی ترکیه ، هیچ ارتباطی با حزب الله لبنان ندارد) برای سرکوب استفاده میشود که همان کار دستجات فاشیست را انجام میدهند."

گلچینی از صفحه فیسبوک

<https://www.facebook.com/toufan.hezbekar>

مهر ۱۳۹۳



پرسش: چرا کوبانی مورد حمله قرار گرفت؟

پاسخ: کردهای کوبانی از همان آغاز توطئه علیه سوریه، تضادهای جاری در منطقه و سیاست راهبردی امپریالیست آمریکا را درست تشخیص دادند و سرنگونی رژیم بشارت اسد توسط امپریالیست آمریکا، رژیم صهیونیستی اسرائیل، شیوخ مرتجع عرب نظیر عربستان و قطر و.... را برنتابیده و بر حفظ تمامیت سوریه و کسب حقوق دمکراتیک در چهارچوب یک سوریه مستقل پای فشردهند. اگر چنین موضع انقلابی اتخاذ نمی کردند و همانند مرتجعین بارزانی و شرکاء نوکری آمریکا و ترکیه و اسرائیل را می پذیرفتند آنوقت در اوضاع و احوال دیگری بسر میبردند. کیش دادن سگان هار داعشی بسوی کردهای کوبانی و همدستی ترکیه و آمریکا و اسرائیل با آنها در همین چهارچوب قابل تبیین است.

پرسش: ماهیت نبرد سیاسی کوبانی چیست؟

پاسخ: ماهیت نبرد سیاسی کوبانی دمکراتیک و ضد امپریالیستی است. امروز هر نیرویی با معیار و نگاه خاص ایدئولوژیک خودش به کوبانی می پردازد. یکی خواهان سرنگونی رژیم بشارت اسد توسط امپریالیسم است اما در عین حال مدعی مدافع مردم کوبانی است و از دخالت امپریالیستهای غربی و متحدینشان در امور داخلی سوریه بیشرمانه دفاع میکند و یا در بهترین حالت سکوت پیشه میکند و از محکوم کردن آن اجتناب میورزد. دومی با معیار "خودمدیریتی" و "آناشیستی" و ضد حزبی شیفته نبرد کوبانی است و بر این اساس آن را به پرچمی برای اعتبار بخشیدن... به انحرافات ضد لنینیستی اش یدک میکشد. سومی که بنظر ما نظر صحیحی است از نگاه منافع عمومی خلقهای سوریه و منطقه و مبارزه ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی برای کوتاه کردن دست امپریالیسم آمریکا در سرنوشت همه خلقها به کوبانی می پردازد و از این نبرد دفاع میکند.... از دفاع حزب لیبرال مشروطه خواهان و شرکاء از کوبانی میگذریم.... و فقط بر این امر تاکید میکنیم که کسی می تواند مدافع صدیق و راستین این جنبش انقلابی باشد که جنگ بربرمنشانه نیابتی امپریالیستهای غربی علیه ملت سوریه و تلاشهای این غارتگران بین المللی برای سرنگونی دولت مستقل و قانونی بشارت اسد را محکوم کند و با صدای بلند بگوید: دست امپریالیستها از سرنوشت مردم سوریه کوتاه!

هیچ انقلابی در سوریه صورت نگرفت!

عده ای از جریانات سیاسی ایرانی که خیلی هم خود را رادیکال می پندارند جنگ نیابتی که امپریالیستهای غربی به سرکردگی آمریکا در سوریه راه انداخته اند، "انقلاب سوریه" نامیدند و از آن به دفاع برخاسته و برای سرنگونی رژیم بشار اسد در پارکابی آمریکا و متحدینش ، ترکیه و قطر و عربستان و ارتش آزاد سوریه و داعشیان خیز برداشته بودند. امید این جریانات این بوده که سرنگونی رژیم بشار اسد منجر به فروپاشی رژیم جمهوری اسلامی نیز خواهد شد! امروز اما هیچ صدایی از این جریانات سیاسی به گوش نمی رسد، گویا از " تکامل انقلاب سوریه" و عروج داعش و تضعیف رژیم اسد و ویرانی کشور راضی و مسرورند.

زنان قهرمان کوبانی

هیچ انقلاب اجتماعی بدون شرکت فعال زنان به پیروزی نخواهد رسید. شرکت توده ای و مسلحانه زنان کوبانی علیه ارتجاع داعش و امپریالیسم نه تنها نوید دهنده آزادی خود او پل بشارت دهنده آزادی کل زنان منطقه و جهان نیز است. زنان کوبانی حقیقتاً حماسه آفریدند و دوشا دوش مردان علیه داعش می رزمند، سر می دهند و تن به تسلیم و بردگی نمی دهند! مقاومت زنان کوبانی در مقابل وحوش داعش و امپریالیسم آمریکا همان حماسه زنان استالینگراد در مقابل وحوش نازیسم و امپریالیسم آلمان است. درود بر زنان قهرمان کوبانی!



"انتلاف ضد داعش" وریاکاری غرب

داعش ارتش دست ساخته امپریالیسم آمریکا، دولت پان ترکیست ترکیه و رژیم صهیونیستی اسرائیل با پترودلار های عربستان و قطر .. است. این جبهه در مورد درهم شکستن جبهه انقلابی کردهای قهرمان کوبانی متحد عمل میکند، اگرچه ماسک داعش ستیزی بر چهره دارد!! همین جبهه خون آشام با تمام ساز و برگش از جبهه ارتجاعی و ناسیونال شونیست و سرسپرده کردستان عراق تحت رهبری مسعود بارزانی دفاع میکند و بسیار هم دست و دل باز عمل میکند. جنبش انقلابی کوبانی حتا اگر شکست هم بخورد نام نیکی از خود در تاریخ برجای خواهد گذاشت و بعنوان سمبل مقاومت و ایستادگی در مقابل امپریالیسم و جبهه متحد ارتجاع در قلوب همه خلقهای منطقه و جهان جای خواهد گرفت. نبرد قهرمانانه کوبانی سبب شد تا سره از ناسره روشن شود و مچ کردهای خود فروخته بارزانی، نوکر رژیم صهیونیستی اسرائیل و ترکیه بیشتر باز گردد. اینان ننگ تاریخنند در افشای بی امان این مرتجعان بکوشیم

همبستگی با مردم کوبانی



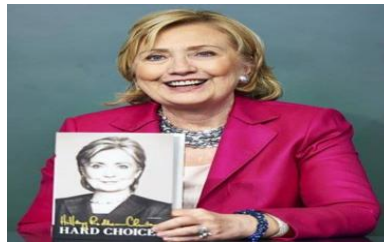
تصویری همبستگی دانشجویان دانشگاه تهران با کوبانی

همبستگی سراسری همه اپوزیسیون انقلابی و ترقی خواه و همه مردم صلحدوست و آزاده جهان با کوبانی نشان میدهد که کوبانی فقط مربوط به کردها و یک امر خاص کردی نیست. کوبانی مسئله همه آزادیخواهان نیست که بر علیه سلطه طلبی امپریالیست آمریکا و "دکترین خاورمیانه جدید" یعنی تجزیه کشورها و قتل و خونریزی و غارت منابع طبیعی خلقهای منطقه می رزمند و از آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی دفاع میکنند. آن بخش از کردهایی که به ننگ سازش با وحوش داعش و امپریالیست جنایتکار آمریکا و رژیم صهیونیستی اسرائیل تن داده و کاسه گدایی خودمختاری و استقلال در دست گرفته اند لکه ننگی در تاریخ مبارزات خلقهای منطقه اند و باید به افشای آنها دست زد. دارودسته خودفروش مسعود بارزانی از این قماشند. اتحادیههای کارگری ایران، کارگران هفت تپه، فلزکار مکانیک، اتوبوس رانی شرکت واحد و دانشجویان دانشگاههای مختلف ایران همبستگی خود را با صدور بیانیه های سیاسی و تجمعات متنوع ابراز داشته اند

داعش به اروپا نفت میفروشد

سفیر اتحادیه اروپا در عراق، جاننا هیباسکوا؛ اخیراً اعلام کرده است که «شماری از کشورهای عضو اتحادیه اروپا از خلافت اسلامی (داعش) نفت خریده اند.»
این افشاگری با هر انگیزه ای که باشد با این گفته مصداق دارد:
"امپریالیسم بنابر ماهیتش نه با کسی دوست ابدی است و نه دشمن ابدی، اما طمع سودبری اش ابدی است".
ریکاری امپریالیسم حدومرزی ندارد. کشورهایی که خود آفریننده شرارت‌های تروریستی و آدمکشی اند نمی توانند مدعی مبارزه با نیروهای شرور و جانی باشند. فقط جاهلان سیاسی اند که به دروغ‌های امپریالیستی "در مبارزه با تروریسم" باور دارند.

از زبان هیلاری کلینتون: خودمان خالق داعش هستیم.



وزیر خارجه سابق آمریکا هیلاری کلینتون، اخیراً در کتاب خود تحت عنوان "گزینه‌های دشوار" بیان داشت که داعش در واقع ساخته دست آمریکا با هدف تقسیم خاورمیانه بزرگ است. وی در کتابش نوشت:
«ما وارد جنگ عراق، لیبی و سوریه شدیم و همه چیز بر وفق مراد و بسیار خوب بود اما ناگهان انقلاب مصر در ۳۰ ژوئن رخ داد و همه چیز ظرف ۷۲ ساعت تغییر کرد.»

من به ۱۱۲ کشور جهان سفر کرده بودم و با برخی از دوستان این توافق حاصل شد تا به محض اعلام تاسیس داعش این گروه به رسمیت شناخته شود اما ناگهان همه چیز فروپاشید. توافق شده بود تا دولت اسلامی (داعش) در روز ۵ / ۷ / ۲۰۱۳ اعلام شود و ما منتظر اعلام تاسیس آن بودیم تا ما و اروپا هر چه سریعتر آن را به رسمیت بشناسیم.....»

چرا قهر یک ضرورت تاریخی است؟

پرسش: چرا اینهمه "خشونت"؟ مگر کمونیستها مبلغ "خشونت اند"؟

پاسخ: دولت قوه قهر طبقاتی در دست یک طبقه علیه طبقه دیگر است. تا زمانی که دولت وجود دارد قهر طبقاتی در اشکال مختلف نیز وجود خواهد داشت. برای طبقه کارگری که قدرت سیاسی را در ید خویش دارد بکاربردن قهر علیه دشمنان درونی و خارجی امری لازم و ضروری است. زمانی این قهر لازم نمی آید که طبقات به زوال رفته باشند که در این صورت دولت نیز ضرورت وجودی خود را از دست خواهد داد و به خواب خواهد رفت. وقتی واژه "خشونت" بجای واژه قهر بکار رود، این اشتباه در ذهن شکل میگیرد که گویا کمونیستها خشونت طلبند!!! و همه مسائل را با زور و اتکا به سرنیزه پاسخ میدهند!!! اما واژه قهر یعنی بکاربردن اعمال زور بر طبقه سرنگون شده و دشمنان خارجی به معنی حفظ نظام جدید سوسیالیستی و پیشروی بسوی جامعه بی طبقه کمونیستی است.... این یک ضرورت تاریخی است.

حقوق شهروندی و خانواده در سوسیالیسم

سئوال:

حقوق شهروندی و خانواده در سوسیالیسم دوران لنین و استالین چگونه بوده است و چه تفاوتی با شکل ازدواج در جوامع سرمایه داری غرب داشت؟

پاسخ:

در جامعه سوسیالیستی که حقوق شهروندی جای حقوق آسمانی را می گیرد، دین از حکومت جدا می شود. ازدواج به صورت مذهبی برسمیت شناخته نمی شود و باید ازدواجها در محضرها صورت گیرند و از نظر دولتی ثبت شوند و اساس خانواده بورژوازی که زن کالای قابل تعویض بود و به زور پدر و یا سنتهای خانوادگی به ازدواج مرد در می آمد برهم می خورد و برسمیت شناخته نمی شد.

ازدواج باید دموکراتیک و بدون زور از بیرون باشد. ازدواج باید متکی بر تمایل دو طرف باشد. در شوروی برای نخستین بار خانواده ها بر اساس دموکراتیک بوجود آمدند و سایه برای نخستین بار قانونا در شوروی برسمیت شناخته شد. در شوروی سقط جنین قدغن شد و کودکان را به کودکانها و مهدکودک ها می برند که این سنت حتی تا به امروز نیز در ممالک ضد سوسیالیستی اروپای شرقی (این کشورها بعد از سقوط شوروی به دامن رویونیسم ضد سوسیالیست بودند) هم باقی مانده است و در آلمان بعد از وحدت حتی موجب نارضائی بسیاری زنان بخش شرقی آلمان شده است.

در شوروی دولت مسئول حفظ جان کودکان بود. زیرا کودکان دارای حقوق بودند و در هیچ خانواده ای بویژه در مناطق قفقاز و آسیائی شوروی هیچ پدری حق نداشت بچه اش را بکشد و یا حق دیه و امثالهم بکند و خود را مالک پسرش بداند. این روابط قبیله ای مضمحل شدند. کودک واحد اجتماعی و دارای حقوق مشابه دیگر اعضاء اجتماع بود. در کودکانها دولت به کودکان غذا می داد، آموزگار و مربی در اختیارشان می گذاشت، کودکانهای ممالک سوسیالیستی حداقل تا روزی که سوسیالیستی بودند، برای کودکان بهشت بود. البته این همه تغییرات از نظر مذهبیون و بورژواها برهم خوردن اساس خانواده است. آری آن خانواده سنتی در شوروی برهم خورد و چه خوب شد که برهم خورد و خانواده ای جای آنرا گرفت که مستقل از فشارهای اجتماعی بود. در شوروی هیچ زنی ترس نداشت که فرزند "حرامزاده" بدنیا آورد، زیرا انسان حرامزاده و حلال زاده نیست. در شوروی زن نیاز نداشت از ترس پدر و یا برادر و یا عمو و دایی و در و همسایه بچه شیرخواره اش را در کوچه رها کند. جامعه مسئولیت پرورش بچه را بعهد می گرفت.

برگزارکننده هواداران حزب کار ایران (توفان) درلینشوپینگ/سوند

به بهانه نود و هفتمین سالگرد انقلاب کبیرا کتبر سوسیالیستی شوروی



کارگران جهان بگانه شوید!

سخنرانی درمورد اوضاع کنونی ایران و منطقه

پرسش و پاسخ. بحث آزاد



زمان: یکشنبه دوم نوامبر ساعت دو بعد از ظهر

مکان: ABF:Badhusgatan 8

Rum:Storm Hatten

هواداران حزب کار ایران (توفان) سوند-لینشوپینگ

فراخوان کمیته میزکتاب آمستردام
بحث و گفتگوی آزاد

با ترس داشتند که ایران به خون خفته بر ۱۶ فروردین سال ۱۳۲۲، و با ترس کوری از مبارزات شد امپریالیستی در ایران و جهان، حول شرایط تونس با هر به بحث و گفتگو بنشینید.

در بحران خاورمیانه چه کسی پشت سر چه کسی است؟ دانش و نقش آن بر تقویت رژیمهای ارتجاعی همچون رژیم سرمباردار جمهوری اسلامی و تثبیت نظم نوین امپریالیستی، دانش محصول کدام سیاست؟ کوبانی و بیروت و مقاومت و مبارزه مسلحانه انقلابی و مردمی.

از همای تشکلات، سازمانها، احزاب و فراد انقلابی دعوت میشود تا با حضور در این برنامه و با شرکت فعال خود در مباحث فوق جلسه را پر بارتر کنند.




یک شنبه ۱۶ نوامبر ۲۰۱۴
از ساعت ۲ بعد از ظهر تا ۷ عصر

Adres: 1 Weteringplantsoen 2/c 1017 SJ Amsterdam
از ایستگاه مرکزی قطار با تراموای ۲۵ و ۱۶۰۲۴ ایستگاه Weteringplantsoen

Tel: +31-0625050155 E.mail: mlze_ketab@hotmail.com

زنده باد سوسیالیسم این پرچم رهائی بشریت!

توفان شماره ۱۷۶ آبان ماه ۱۳۹۳ ارگان مرکزی حزب کار ایران منتشر شد.

رفقا، دوستان و یاران مبارز!

برای پیشبرد نبرد علیه رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی، علیه امپریالیسم جهانی، علیه رویزیونیسم و ضد انقلاب ترتسکیسم و شبه ترتسکیسم و تقویت جنبش کمونیستی ایران به حزب کار ایران (توفان) کمک مالی کنید!

پاره‌ای از انتشارات جدید توفان از سایت اینترنتی:

***تحریف کنندگان تاریخ** سندی تاریخی از انتشارات دفتر اطلاعاتی شورای وزیران اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی

***درافشای ماهیت "حزب کمونیست کارگری ایران" در دو جلد از انتشارات حزب کار ایران (توفان)**

* **مرغان پرکشیده توفان. جانب‌اختگان توفان. چاپ دم اردیبهشت ۱۳۹۳**

* گزارش سیاسی کمیته مرکزی به کنگره چهاردهم حزب کمونیست (ب) اتحاد شوروی

* سفری به کره شمالی. از انتشارات حزب کار ایران (توفان) اردیبهشت ۱۳۹۳

* جنبه بین‌المللی انقلاب اکتبر - استالین

* مارکسیسم و مسئله ملی - استالین

* ترتسکیسم، ضدانقلاب در پوشش - م. ج. اولزین

* سخنرانی و نطق استالین به مناسبت شروع جنگ کبیر میهنی

* مانیفست حزب کمونیست - مارکس و انگلس

* * توطئه بزرگ کتاب سوم

* * توطئه بزرگ کتاب چهارم

در خطه حکمرانی اسرائیل اثر ارزشمندی از بهروز افراشته

سرزمین اشغال شده فلسطین توسط عزرائیل

ما خواندن این کتاب را به همه علاقمندان و پژوهشگران و مبارزین راه زادی و استقلال و سوسیالیسم توصیه می‌کنیم



آدرس سایتها و وبلاگهای مرتبط با حزب

www.toufan.org

لینک چند وبلاگ حزبی

وبلاگ توفان قاسمی

<http://rahetoufan67.blogspot.se/>

ظفر سرخ وبلاگ

<http://kanonezi.blogspot.se/>

آگاه وبلاگ کارگر

<http://www.kargareagah.blogspot.se/>

کتابخانه اینترنتی توفان سایت

<http://toufan.org/ketabkane.htm>

توفان سایت آرشیو نشریات

http://toufan.org/nashrie_tofan%20archive.htm

تویتر توفان در

<https://twitter.com/toufanhezbkar>

توفان در فیسبوک

<https://www.facebook.com/toufan.hezbekar>

توفان در فیسبوک به زبان انگلیسی

<https://www.facebook.com/pli.toufan?fref=ts>